

پژوهش‌های تاریخی (علمی - پژوهشی)
دانشکده ادبیات و علوم انسانی - دانشگاه اصفهان
سال پنجاهم، دوره جدید، سال ششم
شماره دوم (پیاپی ۲۲)، تابستان ۱۳۹۳، ص ۱-۱۸

تأسیس انجمن‌های خیریه و مدارس ایرانی در عشق‌آباد و تاشکند در دوره قاجار

۱۳۲۵ ق تا ۱۳۴۵ ق/۱۹۰۷ تا ۱۹۲۷ م

علیرضا علی صوفی * - صفدر لرستانی ** - آرزو رمضانی ***

چکیده

در این پژوهش، نقش انجمن‌های خیریه و مدارس ایرانی که در اواخر دوره قاجار برای ترویج زبان و ادب فارسی در آسیای مرکزی، شهرهای عشق‌آباد و تاشکند، شکل گرفتند بررسی می‌شود. در اواخر دوران قاجار، به علت وضع بد اقتصادی تعداد کثیری از ایرانیان، به ویژه اقشار ضعیف و فاقد تخصص، به خارج از مرزها، خصوصاً آسیای مرکزی مهاجرت کردند. در راستای این مهاجرت، تجار و مسئولان تدابیری برای سازمان‌دادن و رسیدگی به امور مهاجران ترتیب دادند و اقدام به تشکیل انجمن‌های خیریه کردند. تجار و بازرگانان ایرانی برای کمک به فقرا و اقشار کم‌درآمد، موفق شدند با کمک‌های مالی خود، در این شهرها انجمن‌های خیریه‌ای تشکیل دهند تا اطفال فقرا بتوانند به تحصیل بپردازند. حال این سوال مطرح می‌شود که مدارس و انجمن‌های خیریه تشکیل شده، تا چه اندازه در ترویج زبان و ادب فارسی در آسیای مرکزی تأثیرگذار بوده است؟ فرضیه این است که این انجمن‌های خیریه، مدارس برای اطفال ایرانیان تأسیس کردند و هزینه آن‌ها را متقبل شدند و آنان نقش مهمی، در ترویج زبان و ادبیات فارسی و تعلیم و تربیت ایرانیان مهاجر بر عهده داشتند.

واژه‌های کلیدی

انجمن‌های خیریه، مدارس، عشق‌آباد، تاشکند، مهاجرت.

* دانشیار تاریخ دانشگاه پیام‌نور (نویسنده مسئول) Ar.soufi@yahoo.com

** مربی تاریخ دانشگاه پیام‌نور دره‌شهر younoslorestani@yahoo.com

*** کارشناس ارشد تاریخ ایران دوره اسلامی دانشگاه پیام‌نور تهران arezoo.remazani84@yahoo.com

مقدمه

مدارس شد؛ چون اکثر دانش‌آموزان تمایلی به تابعیت دولت روسیه نداشتند.

در همین راستا، پرسش‌هایی که مطرح می‌شود این است: مهاجران ایرانی چگونه توانستند اقدام به تأسیس مدارس، در شهرهای مهاجرت‌پذیر عشق‌آباد و تاشکند کنند؟ آیا اقدامات فرهنگی که در این زمینه صورت گرفت جوابگوی نیازهای ایرانیان مهاجر بود؟ آنچه مشخص است ایرانیان مهاجر، با کمک تجار و بازرگانان و همچنین وزارت معارف دولت ایران توانستند انجمن‌های خیریه‌ای تأسیس کنند و از طریق این انجمن‌ها، هزینه‌های تعلیم و تربیت فرزندان ایرانیان مقیم را فراهم کنند؛ اما متأسفانه این کمک‌ها، جوابگوی نیازهای مدارس نبود و آن‌ها با مشکلات بسیاری روبه‌رو می‌شدند که ادامه روند مدرسه را مختل می‌کرد.

پیشینه پژوهش

درباره انجمن‌های خیریه و مدارس ایرانیان، در شهرهای عشق‌آباد و تاشکند، تاکنون تحقیقی منظم و کارآمد صورت نگرفته است. منابع اطلاعاتی موجود نیز، به صورت موضوعی به بررسی جوانب مختلف نپرداخته‌اند. در تحقیقات انجام‌شده، بیشتر مطالب آن‌ها اختصاص به مدارس قفقاز دارد. برخلاف قفقاز، موسسه‌های فرهنگی و اجتماعی ایرانیان در ترکستان انگشت‌شمار بود و تشکل سیاسی نیز نداشتند. در لابه‌لای کتب می‌توان جست‌وجوگریده‌ای مطالبی یافت که به مدارس و انجمن‌های خیریه‌ای اشاره کرده است که ایرانیان مهاجر، در آسیای مرکزی تأسیس کرده‌اند؛ از جمله کتبی که در این باره تألیف شده است کتاب «تاریخچه حضور ایرانیان مهاجر در آسیای مرکزی در نیمه دوم سده ۱۹ و آغاز سده بیست» نوشته آ. م. ماتوه‌یف ترجمه محسن شجاعی. در بین مقالات

در ادوار مختلف تاریخی، مهاجرت‌های بسیاری در سطح جامعه ایران صورت گرفته است. اما در نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی، این مهاجرت‌ها در راستای وضع بهتر اقتصادی صورت می‌گرفت. در این زمان، به علت ضعف و ناتوانی حاکمان، ایرانیان با وضع بد اقتصادی و شیوع بیماری‌های واگیردار مواجه شده بودند؛ درحالی‌که مناطق هم‌جوار به علت پیشرفت‌های سریع و ناگهانی در صنعت نفت و گسترش راه‌آهن و زمین‌های حاصلخیز، به مناطقی برای جذب این مهاجران تبدیل شده بود. حضور تعداد کثیری از اقشار مختلف ایرانی، به‌خصوص تجار و بازرگانان، در مناطق مختلف آسیای مرکزی و لزوم گسترش زبان و ادبیات فارسی در بین این مهاجران و تعلیم و تربیت اطفال ایرانی ساکن این مناطق، تجار و بزرگان را برآن داشت تا به تأسیس مدارس، برای تعلیم و تربیت ایرانیان اقدام کنند. ایجاد مدارس اغلب، به همت ساکنان و کمک مالی تجار ایرانی‌نژاد این مناطق بود و معمولاً از راه تشکیل انجمن‌های خیریه و جمع‌آوری اعانه‌های نقدی مردم علاقه‌مند صورت می‌گرفت؛ به طوری که پس از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷م/ ۱۳۳۵ق در روسیه، به علت مسدودشدن باب تجارت و ورشکستگی تجار ایرانی و بازگشت اتباع متمول ایرانی به وطن ادامه فعالیت این مدارس، به ویژه از نظر مالی، مختل شد. حکومت نوین سوسیالیستی در راستای تغییرات بنیادین اجتماعی، برای تأسیس مدارس بیگانگان در کشور خود، مقررات تازه‌ای وضع کرد که ادامه روند فعالیت این مدارس را با دشواری مواجه می‌کرد؛ تاجایی که دانش‌آموزان برای تحصیل در سطوح عالی، می‌بایست تبعه روسیه می‌شدند. این مسائل باعث ناامیدی دانش‌آموزان ایرانی، برای ادامه تحصیل در این

می توان به مقاله «مدارس ایرانی شوروی» تألیف محدثه ایمانی اشاره کرد.

روش پژوهش

این پژوهش با روش توصیفی و تحلیلی و بر پایه اسناد، به بررسی موضوع می پردازد. با وجود کمبود منابع و اسناد تاریخی، نگارنده تلاش کرده است ابتدا به صورت اجمالی، علل مهاجرت ایرانیان به شهرهای آسیای مرکزی را بررسی کند؛ سپس، با استفاده از منابع اطلاعاتی و داده های که به صورت پراکنده و مکاتبه ای از اسناد و مدارک موجود، در آرشیوهای وزارت امور خارجه و سازمان اسناد ملی و کتابخانه مجلس شورای اسلامی، به دست آمده است انجمن های خیریه و مدارس تشکیل شده در شهرهای عشق آباد و تاشکند را شرح دهد و واکاوی کند.

مهاجرت ایرانیان به آسیای مرکزی

با اینکه پژوهشی قانونمند و کامل، درباره مهاجرت گسترده ایرانیان بی نوا و بی کار به نواحی امپراتوری روسیه انجام نگرفته است، بررسی های محدود و اطلاعات پراکنده، وسعت و اهمیت تاریخی این موضوع را تا حدی روشن می کنند. انگیزه اصلی مهاجرت، نه عوامل طبیعی یا سیاسی بلکه دگرگونی های ساختاری وضع اقتصادی ایران و روسیه بود. فقر و ستم سیاسی رایج در ایران، معمولاً یکی از انگیزه ها و نیروهای عمده مهاجرت را به شمار آمده است. با وجود این دیگر عوامل، مانند دگرگونی های اقتصادی و صنعتی روسیه، گرایش روزافزونی برای مهاجرت ایجاد می کرد. البته نباید از نظر دور داشت که این مهاجرت ها صرفاً مختص قشر ضعیف و بی نوای مردم نبود؛ مثلاً در جریان بحران اقتصادی که در دوره مظفرالدین شاه و اواخر قاجار، در اثر فروپاشی نظام زمین داری و اقتصاد سنتی ایران و همچنین، گرفتن

وام های هنگفت از خارج و دادن امتیازات ناروا به وجود آمده بود، در داخل ایران فرصتی برای اشتغال وجود نداشت؛ پس، بسیاری از ایرانیان به کشورهای همسایه، از جمله کشورهای آسیای مرکزی و روسیه مهاجرت می کردند. مناطق شرقی ایران، یعنی اهل خراسان، به عشق آباد مهاجرت می کردند و در نواحی غرب و شمال و مرکز ایران، گرایش در مهاجرت به روسیه و نواحی قفقاز بود (گیدنز، ۱۳۸۶: ۳۷۸). تجار و بازرگانان نیز در اعتراض به وضعیت پیش آمده، از این مهاجرت ها مستثنی نبودند و با این روش، دست به اعتراض علیه دولت می زدند (اشرف، ۱۳۵۹: ۳۰). تعرفه جدید گمرکی ناخشنودی درخور توجهی را در ایران باعث شد. اوضاع پیش آمده مهاجرت و اعتراض بازرگانان را به دنبال داشت؛ به طوری که در سال ۱۳۰۸ق/۱۸۹۱م، ۱۵ هزار و ۶۱۵ نفر و در سال ۱۳۲۱ق/۱۹۰۴م، ۵۹ هزار و ۱۲۱ نفر فقط از کنسولگری روسیه در ارومیه، روآید و رود به خاک روسیه دریافت کردند. در سال ۱۳۲۹ق/۱۹۱۱م، از بین ۱۹۳ هزار مهاجر ایرانی در روسیه، فقط ۱۶ هزار نفر به وطن بازگشتند (عیسوی، ۱۳۶۲: ۷۶). بنابراین در پایان جنگ جهانی اول، شمار ایرانیان مقیم روسیه در حدود ۴۵۰ تا ۵۰۰ هزار نفر برآورد شده است (وطن دوست، ۱۳۸۰: ۱۸۸). برخی از این مهاجرت ها، برای رسیدن به وضع اقتصادی بهتر به اسکان دائم منجر می شد. مقامات ترکستان نیز، در افزایش دائمی شمار ایرانیان مهاجر تأثیرگذار بودند؛ چراکه این مهاجران، برای تامین نیروی کار ارزان و تهیه خواروبار و کالای صنعتی شهرها بسیار سودمند بودند؛ بنابراین نه مانع ورود آنها و نه مزاحم بازگشت آنها به میهن می شدند. علاوه بر این، از سده بیستم میلادی، مقامات روسی از ایرانیان هنگام عبور از مرز درخواست ارائه تذکره (گذرنامه) نمی کردند. چنان که بعد از انتشار آیین نامه

سراسری سال ۱۳۲۰/۱۹۰۳م روسیه در ترکمنستان که طبق آن ارائه گذرنامه، از سوی بیگانگانی که به روسیه می‌آمدند الزامی بود، مقامات ترکستان به ابتکار شخصی خود، همچنان عبور ایرانیان را از مرز آزاد گذاشتند و کسانی را که گذرنامه نداشتند، اخراج نمی‌کردند (ماتوهیف، ۱۳۷۱: ۱۲ و ۱۴).

مدرسه مظفری ایرانیان در عشق‌آباد

عشق‌آباد یکی از مهم‌ترین شهرهایی بود که همه ساله، تعداد درخور توجهی از ایرانیان به آنجا مهاجرت می‌کردند. بیشتر این مهاجران، افرادی از قشرهای ضعیف جامعه بودند که در اواخر قرن نوزده و اوایل قرن بیستم میلادی، برای امور کارگری به این شهر مهاجرت می‌کردند. این گروه در این شهر و اطراف آن، محله‌هایی برای خود می‌ساختند. در بسیاری از مواقع، مردان زنان خود را بدون معاش رها می‌کردند و برای جستجوی کار، به روسیه می‌رفتند و در آنجا، دوباره ازدواج می‌کردند و برای همیشه می‌ماندند. بسیار پدرانی که در اثر فقر، مجبور بودند کودکان خود را در شهرهای مجاور امپراتوری روسیه بفروشند. در سال ۱۳۲۵/۱۹۰۷م، جامعه ایرانیان مقیم عشق‌آباد این واقعه را رسماً به مجلس اول در تهران گزارش داد (شاکری، ۱۳۸۴: ۱۲۴). همچنین، بیشتر رعایای که به خاک ترکمنستان متواری و پراکنده شده بودند، از شدت فقر و پریشانی به کارهای پست روی می‌آوردند. پریشانی و فقر آن‌ها تا حدی بود که بعضی از این رعایا مجبور می‌شدند اطفال خود را بفروشند و روس‌ها آن‌ها را خریداری می‌کردند. گزارش‌هایی از وضع و احوال آن‌ها، به گمرکات خراسان رسیده است که از وضعیت رقت‌انگیز و بدبختی آن‌ها حکایت دارد (اسناد وزارت امور خارجه، ۱۳۱۸: ۱۰). روی آوردن اطفال ایرانی ساکن این شهرها به کارهای پستی نظیر سیگارفروشی،

تخمه‌فروشی، کفش‌دوزی و نگهبانی منزل تجار و بزرگان، افراد کنسولگری را تحت تأثیر قرار داد تا برای آن‌ها مدارسی تأسیس کنند (سازمان اسناد ملی، ۱۳۰۲: ۲۹۷/۳۹۳۹۱). در این میان مشیرالملک، سفیر ایران در پترزبورگ، در راضی کردن مقام‌های روسیه، برای تأسیس مدارس و انجمن‌های ایرانیان در این شهرها نقش مهمی ایفا کرد. با تلاش‌های او و با همت تجار، مدرسه‌ای برای اطفال ایرانی ساکن عشق‌آباد ساخته شد. در گزارشی از کنسولگری ایران در عشق‌آباد، درباره تاریخچه این مدرسه، آمده است که مدرسه مظفری ایرانیان عشق‌آباد در سال ۱۳۲۵/۱۹۰۷م، به همت و دستگیری عده‌ای از فرهنگ‌دوستان ایرانی در عشق‌آباد تأسیس شد. سرانجام در پی دریافت مجوز، مدرسه مظفریه ایرانیان در روز ۲۵ شعبان ۱۳۲۵/۱۹۰۷م، افتتاح شد. یکی از اهداف مهم تأسیس این مدرسه، ترویج زبان و ادبیات فارسی بین ایرانیان مقیم خاک روسیه و همچنین، تعلیم و تربیت ایرانیان مهاجر در آن سرزمین بود. طبق گزارش‌های در دسترس، تأکید فراوانی بر لزوم حفظ و تعلیم این زبان، بین مهاجران ایرانی شده است (سازمان اسناد ملی، ۱۳۰۳: ۲۹۷/۱۷۲۳۲، ۱۰۸۸۱). برای این منظور نیز، بودجه‌ای ماهانه اختصاص داده شد که شامل ۲۰۰ تومان کمک خرج بود و از وزارت معارف به عشق‌آباد ارسال می‌شد (سازمان اسناد ملی، ۱۳۰۱: ۲۹۷/۱۸۲۴۷).
 ۲. از دیگر اهداف تأسیس این مدارس، آشنا کردن اطفال ایرانی به قوانین مذهبی مملکت خود و درنهایت، توسعه و ترقی مملکت بود؛ زیرا آن‌ها معتقد بودند توسعه و ترقی هر مملکتی و قدرت و ثروت هر دولتی، فقط با ترقی و وسعت معارف و مدارس آن صورت می‌گیرد (سازمان اسناد ملی، ۱۳۰۵: ۲۹۷/۲۶۹۴۰، ۱).
 پس از افتتاح مدرسه مظفری عشق‌آباد، مسئله تأمین کتب درسی و وجود معلم و مدیر برای تدریس در این

خیریه این شهر تقبل کرده بود (اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۰۳: ۰۳۶ / ۳۴۰۴۸).

مطابق اسناد موجود، قسمت های مهم مدرسه مظفری به قرار زیر بود:

۱. کتابخانه مدرسه مظفری: شامل یک کتابخانه بود و در سال ۱۳۳۵ق / ۱۹۱۷م، به کمک چند نفر از معارف پرووران ایرانی تأسیس شد. این کتابخانه ۸۰۰ جلد کتاب علمی و ادبی و اخلاقی داشت. بیش از سه چهارم این کتاب ها، به زبان روسی و ترکی بود.

۲. موزه علمی مدرسه مظفری: این مدرسه یک موزه علمی داشت که انواع حشرات و حیوانات روغن زده، پرندگان، مسکوکات عتیقه و بعضی از مجسمه های مشاهیر در آن دیده می شد.

۳. سالن کوچک مدرسه: در سال ۱۳۳۶ق / ۱۹۱۸م، برای دادن بعضی نمایشات اخلاقی و کنفرانس های علمی و ادبی تأسیس شد. دیوارهای این سالن را با عکس هایی از مشاهیر ایران مانند سعدی، میرزاتقی خان امیر کبیر، نادرشاه، مظفرالدین شاه و سیدجمال الدین اسدآبادی تزیین کرده بودند.

۴. سالن بزرگ مدرسه: در سال ۱۳۳۸ق / ۱۹۲۰م، جمعی از مسلمانان ایرانی عشق آباد، با هدف تهیه محلی برای برپایی اجتماعات ملی و شور در مقدمات عمومی خودشان، سالنی بزرگ طرح ریزی کردند. داخل این سالن ۲۶ ذرع (۲۷ متر) طول و ۱۴ ذرع (۱۴،۵ متر) عرض و ۱۱ ذرع (۱۱،۵ متر) ارتفاع داشت. در رأس جنوبی سالن، اتاقی بسیار وسیع قرار داشت که عرض و طول آن ۱۰ در ۱۴ ذرع (۱۰،۵ در ۱۴،۵ متر) بود. فقط به واسطه انقلاب و استیلا فقر عمومی، این بنای عالی که در واقع کعبه مدنیت ایران در ترکستان بود به آخر نرسید و نصف کاره باقی ماند (سازمان اسناد ملی، ۱۳۰۰: ۲۹۷/۱۸۲۴۷، ۱).

مدرسه، توجه کارگزاران کنسولگری ایران در عشق آباد را به خود جلب کرد. در این راستا، وزارت معارف از کنسولگری عشق آباد تقاضا کرد پنج جلد کتب مدارس ابتدایی و یک جلد کتب مدارس متوسطه، برای آن ها ارسال کند تا در بین مدارس ایرانی توزیع شود. دولت ایران نیز پنج جلد کتاب، برای تحصیلات شش ساله ابتدایی ارسال کرد و ارسال کتاب تحصیلات متوسطه را بسته به اعتبار بودجه وزارت معارف دانست؛ سپس، تأکید کرد اگر اعتبار کافی برای ترویج و تشریفات بین ایرانیان مقیم خارجه ارسال شود تقاضای مذکور را انجام خواهد داد (سازمان اسناد ملی، ۱۳۰۳: ۲۹۷/۳۹۴۰۰، ۱۰۸۸۵). کارکنان مدرسه مظفری شامل یک مدیر و شش معلم و دو فراش بودند (سازمان اسناد ملی، ۲۹۷/۲۶۸۱۶). باید یادآور شد که بعد از مدتی، به علت رفتار منافزاده، مدیر، که دور از قوانین مدرسه بود، انجمن خیریه شهر از او شکایت کرد. منافزاده نیز استعفا داد. در این موقع، انجمن از کنسولگری درخواست اعزام یک مدیر باکفایت کرد و کنسولگری ایران نیز، سیدعبدالرحمن خان را به عنوان مدیر و معلم عشق آباد تعیین و به محل مأموریت در عشق آباد اعزام کرد (سازمان اسناد ملی، ۱۳۰۳: ۲۹۷/۳۹۴۰۰، ۱۰۸۵۶).

برنامه مدرسه شامل دروس زیر بود:

۱. دروس فارسی و روسی؛ ۲. شرعیات؛ ۳. حساب؛ ۴. جغرافیا؛ ۵. تاریخ؛ ۶. طبعیات؛ ۷. حفظ الصحه؛ ۸. ورزش؛ ۹. نقاشی؛ ۱۰. موسیقی (ایمانی، ۱۳۷۰: ۱۷).

در سال ۱۳۳۹ق / ۱۹۲۱م، تعداد دانش آموزان مدرسه مظفری ۱۸۰ نفر بود که اکثر آن ها، از اتباع ایرانی ساکن عشق آباد بودند. از این تعداد، ۸۰ نفر مجانی درس می خواندند و هزینه پنجاه نفر را خود مدرسه تأمین می کرد. مخارج ۳۰ دانش آموزان دیگر مدرسه را انجمن

مشکلات مالی مدرسه مظفری

مسئله بودجه و کمبود آن از اساسی‌ترین مشکلات مدرسه مظفری بود. به علت نبود منبع عایدات مشخص و ثابت، هیئت انجمن خیریه عشق‌آباد در عریضه‌ای، از رئیس مجلس شورا درخواست کردند برای حل این مشکل، کنسولگری ایران در عشق‌آباد بابت صدور هر تذکره، مبلغی اعانه بر قیمت تذکره برای مساعدت به اتباع دریافت کند. اما آنچه به نظر می‌رسد این است که صدور چنین حکمی را مجلس شورای ملی تصویب نکرد و در جواب درخواست مزبور آمده است که «... بر طبق قانون مأمورین مجاز نیستند اضافه بر قیمت تذکره به هیچ عنوان وجهی از مسافری یا مقیمین محلی مطالبه کنند...» (اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۰۵: ۱۴۷۱/۰۱۴). در شوال ۱۳۴۱/ق ۱۹۲۲م، اداره دوم سیاسی وزارت امور خارجه در نامه‌ای به وزارت معارف می‌نویسد: «در تعقیب مکاتبات سابقه راجع به اعانه مدراس ایران در خارجه خاطر اولیان آن وزارت جلیله را قری استحضار می‌دارد... فوری اجازه فرمایید تا ۳۰۰ تومان مساعده بپردازم». در نامه‌ای از قونسولگری عشق‌آباد آمده است برای اینکه این مدرسه هم مثل مدرسه بادکوبه از اختیار مأموران ایران خارج نشود اجازه داده شود وجه فوق را به عنوان کمک به مدرسه، هرچه زودتر حواله کنند که در ادامه اداره مدرسه اختلاس پیش نیاید. همچنین در شهریورماه، مجدداً گزارشی از قونسولگری عشق‌آباد راجع به اوضاع اسفناک مدرسه مظفری به وزارت معارف رسید که برای ارسال یکصد تومان بودجه مدرسه، هر طور لازم است اقدام و نتیجه را ابلاغ کنند. در نامه دیگری و در آبان‌ماه، قونسولگری عشق‌آباد تقاضای تسریع در ارسال بودجه دولتی کرد و افزود، برای وصول و ارسال یکصد تومان بودجه مقرر اقدام فوری کنند. قونسولگری خواستار شد چون چاپار این قونسولگری فقط می‌تواند

به سرحد باجگیران بیاید مبلغ مزبور را به گمرک باجگیران حواله کنند تا در وصول آن اشکالی پیش نیاید. انجمن خیریه ایرانیان در عشق‌آباد نیز در تلگرافی به وزارت امور خارجه و وزارت معارف، اعلام خطر کرد که مدرسه مظفری به واسطه کسری بودجه و وصول نشدن بودجه دولتی در شرف انحلال است (سازمان اسناد ملی، ۱۳۰۶: ۱۵۲۲۹/۲۹۷). طبق اسناد بالا، مسئله بودجه و کمبود آن، موانع بسیاری در راه پیشرفت و توسعه این مدرسه به وجود آورده بود. کمبود بودجه و پرداخت نشدن آن، همچنین رفتار ناشایست منافزاده، مدیر مدرسه، باعث شد چند تن از معلمان از شغل خود استعفا دهند. در سندی که از وزارت معارف در دسترس است آمده است نظر به اینکه معلمان مدرسه مظفری عموماً استعفاء داده‌اند هرچه زودتر سه نفر معلم متدین که تحصیلات هشت الی نه سال را به اتمام رسانده‌اند با ماهی ۲۰ الی ۲۵ تومان، برای مدرسه مظفری ایران استخدام کنند؛ چون به واسطه نبود معلم، مدرسه در حال انحلال بود مجدداً درخواست کردند استخدام و اعزام معلمان را هرچه زودتر و نهایتاً ده روز پس از وصول نامه عملی کنند (اسناد وزارت امور خارجه، ۱۳۱۸: ۱۹/۱۱). چون اهالی آن حدود عموماً ترک‌زبان بودند ضروری بود معلمان اعزامی به این زبان آشنا باشند. با توجه به این نامه، وزارت امور خارجه اعلام کرد اشخاصی که طالب به هم خوردن مدرسه هستند اخراج شوند. سردار سپه نیز با ملاحظه نکات نامه انجمن خیریه و نامه فوق، به وزارت معارف نوشت:

«با ملاحظه مواد مرسله انجمن خیریه عشق‌آباد قدغن فرمایید نسبت به اظهارات آن‌ها راجع به شکایات از منافزاده و بی‌ترتیبی مدرسه آنجا و اعزام مدیر و معلم. اقدامات مقتضیه به عمل آورده نتیجه را اعلام دارند». اداره معارف و اوقاف خراسان در پاسخ به گزارش

محسنات سیاسی و اخلاقی این موسسه ایرانی، تا چه اندازه برای دولت و رعایای ایران مهم و مفید است و در صورتی که توجه فوری در این زمینه به عمل نیاید ناچار تعطیل می شود. از نظر او، این تعطیلی در صحنه سیاسی، لطمه بزرگی به حیثیت دولت ایران وارد می کند و موجب دل سردی و یأس خاطر ایرانیان ترکستان می شود. حکیم الملک در پایان، تذکر داد لازم است مبلغ دویست تومان کمک خرج، برای مدرسه مزبور اختصاص داده و از طرف وزارت معارف، برای وصول و ارسال آن توسط قونسولگری دولت در عشق آباد اقدام لازم شود (سازمان اسناد ملی، ۱۳۰۰: ۲۹۷/۱۸۲۴۷، ۱۹). آنچه به نظر می رسد این است که مدرسه مظفری در سال ۱۳۲۷ق/۱۹۰۹م، تعطیل بوده است؛ زیرا طبق گزارش هایی که از وزارت خارجه و وزارت معارف رسیده است در همین سال و با اجازه حکومت محلی و همت ایرانیان آنجا، در تاریخ ۲۸ شعبان، مدرسه مظفری مجدداً شروع به کار کرد و از ۵ سپتامبر که مطابق با ۵ رمضان بود مبادرت به تدریس کرد. در این سند، از اولیای دانش آموزانی که قبلاً در این مدرسه مشغول تحصیل بودند درخواست شد بچه های خود را در تاریخ مزبور به مدرسه بفرستند؛ همچنین تذکر داده شد آن هایی که قصد دارند بچه های خود را برای اولین بار در این مدرسه ثبت نام کنند به موجب قوانین اساسی مدرسه، باید شروط زیر را رعایت کنند:

اولاً نامه ای از دکتر بلدی بگیرند مبنی بر اینکه بچه های آنها بیماری های مسری ندارند و از آبله آنها پیشگیری کرده اند؛

ثانیاً دانش آموزان مزبور کمتر از ۷ و بیشتر از ۱۵ سال نداشته باشند؛

ثالثاً اولیای دانش آموزان، استشهادهای مذکور را به مسئولان دولت دهند تا آنان تصمیمات لازم را انجام

یادشده، در مهرماه اعلام کرد به واسطه اخبار رسیده از قونسولگری ایران در عشق آباد، معلمان این مدرسه استعفاء داده اند و در حال حاضر، مدرسه مذکور فاقد معلم است؛ سپس اضافه کرد به همین علت، سه نفر معلم کارآمد به مدرسه عشق آباد اعزام خواهد شد (سازمان اسناد ملی، ۱۳۰۶: ۲۹۷/۱۵۲۲۹). نگاهی به رشته مکاتبات میان وزارت خارجه و کنسولگری ایران در عشق آباد نشان می دهد اوضاع این مدرسه، به علت نبود حقوق پرداختی برای کارکنان آن، دچار بحران شدیدی شده بود. ماهانه دویست تومان بودجه، به مدرسه مظفری اختصاص داده شد؛ اما ظاهراً بودجه مذکور، جوابگوی امور مدرسه مذکور نبود. حکیم الملک، نماینده ایران در عشق آباد، در گزارشی به تهران اوضاع مدرسه را بسیار ناگوار توصیف کرد. وی عنوان کرد نظر به اهمیت مدرسه ملی مظفری ایرانیان در ترکستان که به همت ایرانیان مقیم عشق آباد تأسیس شده است و زیر نظر آنان اداره می شود و براساس تصویب نامه مورخ ۳۰ برج اسد ۱۲۹۷ که مختص ترویج زبان و ادبیات ایران است مقرر شد وزارت معارف ماهی دویست تومان، به عنوان کمک خرج، به عشق آباد ارسال کند. وی افزود چندی قبل، در نتیجه شکایات رسیده از عشق آباد، معلوم شد برحسب تصویب نامه مورخ ۲ قوس ۱۳۳۸، مجدداً هیئت دولت ماهیانه اختصاصی معارف ترکستان را به مناسبت اشکالات مواجه در انضامات، به مدرسه متوسطه خراسان تخصیص داده است؛ در حالی که مدرسه مزبور در ترکستان، اهمیت فوق العاده دارد و دارای کتابخانه و موزه مخصوص است و اخیراً به مناسبت قطع ماهیانه مزبور، دچار بحران شدیدی شده است. نماینده ایران اشاره کرد حکومت محلی نیز بسیار سعی می کند این مدرسه و سایر مدارس ملی، تحت پروگرام وزارت معارف روسیه اداره شود. او یادآوری کرد مزایا و

اینکه در سال ۱۳۴۵ق/ اوایل فورویه ۱۹۲۷م، قوامیان به سمت ریاست مدرسه مظفری تعیین و همراه بهرامی به مدرسه مذکور وارد شدند؛ اما در این هنگام، بهرامی پس از اجرای حرکاتی خارج از قوانین مدرسه امور مدارس مذکور را به قوامیان تکلیف کرد (اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۰۶: ۱۴۸۳/۰۱۴). هیئت تشکیلات معارف مظفری نماینده وزارت معارف، یعنی قوامیان را موقتاً به عنوان سرپرست مدرسه مذکور انتخاب کرد و قبول قطعی آن را به اولیای مدرسه سپرد. در تاریخ ۱۵ آوریل ۱۹۲۷م/۱۳۴۵ق، در هر یک از جلسات متجاوز از ۲۷۰ نفر اولیای اطفال ایرانیان مشترکاً حضور داشتند و راجع به تعیین و ورود قوامیان و ماهی ۱۰۰ تومان مواجب ایشان مذاکرات مفصلی کردند. نظر به اینکه ۱۰۰ تومان حقوق ماهیانه قوامیان، مواجب پنج نفر معلم بود؛ همچنین، خدمات فوق‌المتصورهای مسعودی، مدیر مدارس و آشنانبودن قوامیان به زبان‌های ترکی و روسی که تدریس آن‌ها در این مدارس حتماً و قطعاً لازم بود مقرر شد قوامیان در امور مدارس هیچ‌گونه دخالتی نکنند و امور مدارس مانند قبل جریان پیدا کند؛ سپس مذاکرات این مجلس برای قوامیان قرائت و به قونسولگری ارسال شد. اما دسیسه‌چینی‌های بعضی از افراد راجع به حضور قوامیان، نفرت عموم ایرانیان به او و قطع مناسبات بین مدرسه و قونسولگری را باعث شد. صرف‌نظر از اینکه در نتیجه دسایس بهرامی، از ماه مارس بودجه ارسالی دولت ایران به مدرسه نرسید. از اول فوریه همین سال نیز، بهرامی ۱۵۰ مناتی، معادل ۴۲۷ ریالی، که ماهیانه از محل مالیات اوراق تذاکر یک سابقه به مدرسه ارسال می‌شد برای خودش جمع‌آوری کرد؛ از طرف دیگر، حتی قوامیان در عرض چند روز کفالت خود، مبلغ ۲۸۰ منات، برابر با ۵۳۲ ریال، از صندوق خالی مدرسه حیف و میل کرد و از اعاده آن به مأموران مدرسه امتناع

دهند. همچنین از هر شاگرد، اعم از شاگردان سابق مدرسه و آن‌هایی که تازه ثبت‌نام می‌کردند در سال ۱۸ منات، معادل ۳۴/۲ ریال، به عنوان حق تعلیم و به صورت قسطی اخذ می‌شد؛ به این ترتیب که در حین ورود به مدرسه ۶ منات، معادل ۱۱/۴ ریال و بعد از چهارماه ۶ منات، معادل ۱۱/۴ ریال و بعد از ۸ ماه نیز ۶ منات دیگر معادل ۱۱/۴ ریال باید به صندوق مدرسه داده و رسید مهرشده را به مدرسه تحویل می‌دادند (سازمان اسناد ملی، ۱۳۰۵: ۲۹۰/۴۹۰۷، ۲۹۰/۴۹۰۷، ۲۹۰/۴۹۰۷).

مشکلات مدرسه مظفری پس از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷م

روسیه

با شروع اغتشاشات و انقلابات داخلی روسیه، مشکلات مدرسه مظفری لاینحل شد. در این میان، مأموران دولت روسیه که بعضی غیررسمی و برخی نیز شخصی بودند و منافع شخصی خود را مقدم‌تر از خدمت به معارف این مدرسه می‌دانستند باعث بروز نواقصی در کار مدرسه شدند؛ در ماه دسامبر ۱۹۲۵م/۱۳۴۳ق، به علت سختی اداره امور مدرسه، هیئت رئیسه مدرسه مظفری استعفا داد؛ سپس هیئت مدیره‌ای که عموم ایرانیان انتخاب کرده بودند امور مدرسه را عهده‌دار شد. درحالی‌که صندوق مدرسه بالغ بر ۳ هزار منات، معادل ۵ هزار و ۷۰۰ ریال، بدهی داشت هیئت مدیره مدرسه با جدیت هرچه تمامتر، به توسعه و پیشرفت جریان امور مدرسه پرداخت؛ در نتیجه خدمات وطن‌پرورانه، ایرانیان مقیم عشق‌آباد دارای سه باب مدرسه شدند و عده محصلان آنجا متجاوز از ۳۵۰ نفر شد. زمانی که عیسی‌خان بهرامی به سمت نمایندگی رسمی دولت ایران تعیین و وارد عشق‌آباد شد عموم ایرانیان از او درخواست کردند با وسایل ممکن، نقایص مدرسه را رفع کند؛ اما نماینده وقت، حتی از محل مدرسه بازدید نکرد تا مدرسه ایرانیان را بشناسد. تا

اضافه کرد چون قونسول های دولت ایران، به موجب حکم دولت خود عوض می شوند لازم است مدارس ایرانیان همیشه، در نظارت هیئتی محلی از والدین اطفال قرار گیرد و وظیفه قونسول وقت، فقط در حد نظارت بر هیئت باشد؛ پس همیشه در مواقع لازم، امور مدرسه با صلاح دید هیئت محلی و قونسولگری انجام داده شود (اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۰۶: ۱۴/۰۱۴۸۳). در جلساتی که با حضور اولیای اطفال این مدرسه و کنسولگری و همچنین، هیئت مدیره منتخب مدرسه مظفری تشکیل شد، به مشکلات مدرسه پس از انقلاب اکتبر روسیه رسیدگی شد؛ سپس مدرسه به روال عادی، شروع به کار کرد (اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۰۶: ۱۴/۰۱۴۸۳).

مدرسه ایرانیان در شهر تاشکند

با توجه به روند تشکیل مدارس جدید در حکومت مظفرالدین شاه و تأسیس مؤسسات فرهنگی، با کمک انجمن های خیریه و توسط تجار و بازرگانان و کنسولگری های شهرهای مختلفی که حضور ایرانیان در آن مناطق چشمگیر بود، مدارس برای مهاجران ایرانی تأسیس شد. در تاشکند نیز، به عنوان یکی از مراکز مهم که بنا بر عللی جمعیت ایرانی نسبتاً چشمگیری در آنجا حضور داشت، مدرسه ای برای ایرانیان ساخته شد. در نامه به دست آمده از سردار سپه و وزارت امور خارجه، در رابطه با نحوه تشکیل این مدرسه آمده است با وجود اینکه نزدیک به هفتصد هشتصد نفر ایرانی، در تاشکند اقامت دارند تاکنون یک مدرسه ایرانی در آنجا تأسیس نشده است. در این مدت، هر چه سعی کرده ایم ترتیبی برای این کار دهیم متأسفانه به واسطه بی بضاعتی و فقر عمومی و همچنین به علت بی تکلیفی ایرانیان، تضمین این ضمانت کفایت نکرده است. از طرف دیگر، فقرای ایران هر روز با حالت اسفناکی به

ورزید (اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۰۶: ۱۴/۰۱۴۸۳). اما هیئت رئیسه مدرسه مظفری، به علت فشاری که از لحاظ مادی و کمبود منابع مالی داشت مجبور شد مبلغ هزار منات، برابر با هزار و ۹۰۰ ریال، از بانک استقراضی عشق آباد قرض کند. متأسفانه حرکات و رفتار مغرضانه بهرامی، تمام نقشه های هیئت رئیسه و کارکنان مدارس مظفری را که عبارت از توسعه و تعلیم معارف بود مبدل به یأس کرد. با این رفتار، در حق اطفال ایرانی که در این مدرسه تحصیل می کردند ظلم شد. بدیهی بود که ایرانیان مقیم آن سرزمین، با نظر حفظ شئون باستانی خود، برای ادامه و استقرار و توسعه و تعلیم مدارس ملی و تعلیم تربیت اولاد خود، از هیچ گونه تشبیهات ملت پرسیانه فروگذاری نمی کردند؛ لذا آنان از دولت ایران خواستند توجهی به رعایای مقیم این مرز و بوم کند از جمله: در مقابل حرکات ظالمانه بهرامی سدی ایجاد کند؛ معارف را بین ایرانیان آن سرزمین، آن طور که لازم و شایسته ایرانیان است توسعه دهد؛ همچنین دولت مکاتبات مربوط را به مدرسه مظفری ارسال کند، چراکه بهرامی اوامری را که از تهران ارسال می شود از کارکنان مدرسه پنهان می کند (اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۰۶: ۱۴/۰۱۴۸۳). در جلساتی که هیئت رئیسه مدرسه مظفری، با حضور والدین اطفال این مدرسه تشکیل داد، راجع به مشکلات مدارس ایرانیان تصمیماتی اتخاذ شد. چنان که در نهمین جلسه که در تاریخ ۳ آگوست ۱۳۴۵/۱۹۲۷ ق، در دفتر مدرسه و به ریاست آخوندوف و کتابت محمدباقر و ۱۱ تن دیگر تشکیل شد درباره امور آینده مدرسه و همچنین، رفتارهای قوامیان تصمیماتی گرفته شد. در خاتمه بهرامی، نماینده دولت ایران، گفت اگر هیئت مدرسه قوامیان را به سمت و ریاست مدرسه بشناسد قونسولگری دولت ایران، از هیچ گونه کمک مادی و معنوی دریغ نخواهد کرد. وی

در مسجد دعوت و از آن‌ها درخواست کرد هرکس به قدر توان خود، کمک کند تا انجمن خیریه‌ای در این شهر تأسیس کنند. هدف مهم از تشکیل این انجمن خیریه، جمع‌آوری بودجه برای مخارج و تأسیس مدرسه بود. با کمک کنسولگری و مردم، انجمن خیریه تأسیس شد و ۴ نفر هیئت عامل و مدیر انجمن شدند و تحت نظر کنسولگری شروع به کار کردند. انجمن مزبور تصمیم گرفت برای جمع‌آوری اعانه‌جات، در راستای رسیدگی به دخل و خرج انجمن و همچنین مدرسه این شهر، از بابت صدور هر تذکره مبلغی اضافه بگیرد؛ به این صورت که به هر تذکره مبلغ یک قران و تذکره کاسبی سی شاهی و تذکره تاجری دو قران اضافه و اخذ شود. وزارت امور خارجه نیز با این درخواست موافقت کرد و بدین نحو، با تأسیس یک باب مدرسه در این شهر موافقت شد (سازمان اسناد ملی، ۱۳۰۲: ۲۹۷/۳۹۳۹۳، ۱۰۸۸۸۰). یکی از اهداف مهم در تأسیس مدارس ایرانیان در خارج و از جمله در شهر تاشکند، لزوم حفظ و تقویت زبان و ادبیات فارسی، به‌خصوص در میان اتباع ایرانی مهاجر به این مناطق، بود. اما در برنامه مدرسه، زبان ترکی در اولویت قرار داشت و تدریس می‌شد. این خود حاکی از آن است که بیشتر مهاجران به این مناطق افراد ترک بودند. مدرسه ابتدایی شهر تاشکند در محله تاجیک و در قسمت شیخا ظهور شهر کهنه، در روز ۲۹ شعبان سال ۱۳۰۳/۱۳۸۸۶م، با همت سردار سپه و با حضور عباس فانی، معاون جنرال کنسولگری ایران در شهر تاشکند، در ساعت پنج بعدازظهر افتتاح شد. به پاس خدمات سردار سپه، این مدرسه به این نام «مدرسه سپه» معروف شد (سازمان اسناد ملی، ۱۳۰۲: ۲۹۷/۳۹۳۹۳، ۱۰۸۷۲). شروع به کار این مدرسه یک روز بعد از افتتاح آن، یعنی روز ۳۰ شعبان، از ساعت ۷ صبح بود. باید یادآور شد که به علت حضور بهایان ایرانی در شهر تاشکند، با همت

قونسولگری آمده و درخواست کمک می‌کنند؛ اما برای ما امکان‌پذیر نیست احتیاجات همه را مهیا کنم؛ لذا دو هفته قبل عموم ایرانیان را در مسجد دعوت و نصیحت کردم هر کس هر چقدر در توان دارد برای تأسیس یک انجمن خیریه و تأسیس یک مدرسه کمک کند. در نهایت، نتیجه این شد که ۲۱ نفر به قونسولگری آمده و از میان خود ۴ نفر انتخاب کردند که به عنوان هیئت مدیره و مدیر انجمن خیریه باشند و زیر نظر قونسولگری، برای تأسیس انجمن خیریه‌ای اقدام کنند. قرار شد هفته‌ای چندبار به قونسولگری بیایند و مشغول کار شوند؛ البته برای برآورده شدن این هدف، مبالغی لازم است و در نتیجه، تصمیم گرفته شد تا مبلغ جزئی به هر تذکره اضافه شود. اگرچه اجازه مخصوص داده می‌شود چون برای عمل خیر است حتماً وزارت مربوط، مخالفتی نخواهد کرد. قطعاً این مبلغ فقط از تذکره ایرانیان مقیم تاشکند اخذ خواهد شد که به مصرف خودشان می‌رسد. در نهایت در روز ۱۲ ژانویه ۱۶/۱۹۲۴ جمادی الثانی ۱۳۴۲، از هر تذکره مبلغ یک قران و تذکره کاسبی سی شاهی و تذکره تاجری دو قران اخذ شد. از این طریق، وجه ناقابلی جمع‌آوری خواهد شد و با کمک کمیسرای خارجه که وعده تأسیس مدرسه ایرانی در تاشکند را داده است مدرسه مذکور تأسیس می‌شود. نهایتاً یک خانه کوچک تهیه و میز و صندلی و سیاه‌تخته و غیره ارسال شود. اگر اولیای دولت هم در این رابطه کمک کنند در کار تسریع به عمل می‌آید. همان‌گونه که آورده شد ایرانیان نسبتاً فراوانی در شهر تاشکند حضور داشتند؛ اما با فقر عمومی آن‌ها، توان تأسیس یک مدرسه در این شهر نبود. ایرانیان این منطقه از کنسولگری ایران در این شهر خواستند مدرسه‌ای برای اطفال آن‌ها تأسیس کند. کنسولگری و نماینده ایران، به تنهایی نمی‌توانست این درخواست ایرانیان را اجابت کند؛ پس ایرانیان شهر را

معلم و کتب فارسی، ایرانیان نتوانستند از این اجازه استفاده کنند؛ به همین علت کنسولگری ایران از وزارت معارف درخواست کرد برای این شهر، کتاب و پروگرام به زبان فارسی ارسال کند (سازمان اسناد ملی، ۱۳۰۲: ۲۹۷/۳۹۳۹۳). یکی از مسائلی که بعد از تشکیل حکومت نوین سوسیالیستی، ذهن مسئولان مدارس ایرانیان در شوروی را به خود مشغول کرد، مشکلاتی بود که برای ادامه تحصیل در سطح عالی، برای ایرانیان این مناطق وجود داشت. به این ترتیب که برای ادامه تحصیل در سطح عالی، افراد باید تبعه اتحاد شوروی بودند. این مسئله باعث ناامیدی دانش‌آموزان ایرانی، از ادامه تحصیل در مدارس شوروی شد؛ چراکه بسیاری از آنان، تمایلی به پذیرش تابعیت کشوری بیگانه را نداشتند. این مشکل همچنین، مانع ادامه تحصیل دانش‌آموزان این مدارس در مراکز آموزشی ایران بود و چون به زبان فارسی تسلط کافی نداشتند قادر به ادامه تحصیل در ایران نبودند (اسناد وزارت امور خارجه، ۱۳۰۹: ۱۰۶۵). دولت روسیه از به‌کاربردن علامت شیر و خورشید که در آن زمان نماد کشور ایران بود، در تابلو مدارس ایرانی روسیه ممانعت کرد (سازمان اسناد ملی، ۱۳۰۹: ۲۹۷/۴۱۳۷۴). دخالت و سختگیری دولت شوروی تا حدی بود که از اقدام مجریان برگزاری جشن در مدرسه اتحاد بادکوبه، برای برافراشتن «بیرق ایران» برفراز مدرسه و نیز نصب «عکس رئیس‌الوزراء» ایران بر سر در مدرسه مذکور ممانعت کردند. این اقدام اداره معارف محلی شوروی، خشم مقامات وزارت امور خارجه ایران را برانگیخت و مقامات وزارت خارجه، در یادداشتی شدیدالحن به وزیرمختار شوروی در تهران، به وی ابلاغ کردند: «امر فوری در انعقاد جشن مزبور صادر و در رفع این حرکت توهین‌آمیز را بخواهد مرتکبین را در تحت مسئولیت قرار دهد»؛ در غیر این صورت، دولت ایران

سردارسپه و انجمن خیریه این شهر، یک باب مدرسه نیز برای اطفال آن‌ها ساخته شد که این مدرسه، مدرسه متوسطه بود. بیشتر دانش‌آموزان مدرسه سپه از اتباع ایرانی مقیم تاشکند بودند. در سال تأسیس این مدرسه، یعنی سال ۱۳۰۳ق/ ۱۸۸۶م، تعداد دانش‌آموزان آن بالغ بر ۴۰ نفر بود و این تعداد، در مدرسه ابتدایی شهر مشغول به تحصیل بودند. از تعداد شاگردان مدرسه بهایی و نحوه تدریس این مدرسه متوسطه، اطلاعاتی در دسترس نیست.

برنامه کلاسی این مدارس عبارت بودند از: کلاس شروع (برنامه مدارس ابتدایی): ترکیب حروف، حساب، اخلاق، جغرافیای ایران؛ کلاس ۱: انشاء جدید، تاریخ ایران، حساب، ادبیات؛ کلاس ۲: علم‌الشیاء، جغرافیای عمومی، تاریخ عمومی، حساب، شرعیات؛

برنامه کلاسی و پروگرام این مدارس، از روی پروگرام مدارس تهران تهیه و به ترکستان ارسال می‌شد (سازمان اسناد ملی، ۱۳۰۲: ۲۹۷/۳۹۳۹۳، ۱۰۸۷۸). حقوق معلمان و همچنین، مخارج این مدرسه را هیئت انجمن خیریه شهر به عهده گرفت. این مواجب از طریق پرداخت اعانه به تذکره و کمک‌های جمع‌آوری‌شده از ایرانیان و همچنین، بودجه‌ای که دولت ایران برای مدارس ایرانی در خارج کشور در نظر گرفته بود تأمین می‌شد (سازمان اسناد ملی، ۱۳۰۲: ۲۹۷/۳۹۳۹۳، ۱۰۸۷۳). بعد از استیلای روس‌ها بر ترکستان، ایرانیان این مناطق تحت‌تابعیت روس‌ها درآمدند. پس از انقراض دولت استبدادی روس و تأسیس جنرال کنسولگری ایرانیان در ترکستان، ایرانیان به تابعیت دولت علیه درآمدند. بعد از انقلاب روسیه و تشکیل جمهوری ترکستان، به ایرانیان این مناطق اجازه داده شد به زبان ملی خود، یعنی زبان فارسی، مکاتبه کنند و در مدارس نیز این زبان را به کار برند؛ اما به علت کمبود

نیز برای مدارس شوروی در خاک ایران، محدودیت‌های خاصی اعمال می‌کند (اسناد وزارت خارجه، ۱۳۰۴: ۳۵). دولت شوروی در پاسخ، خاطر نشان کرد مدرسه اتحاد زیر نظر کمیساریای معارف حکومت شوروی است و مدیر مدرسه نیز، به دریافت مجوز رسمی از اداره معارف محلی اقدام نکرده است (اسناد وزارت خارجه، ۱۳۰۴: ۳۵). بدین نحوه، حکومت سوسیالیستی در مدارس ایرانی آن منطقه دخالت کرد و این خود، بهانه‌ای شد تا اداره و کنترل این مدارس را برعهده گیرد.

مدرسه ایرانیان مرو

از دیگر مدارس ایرانیان مهاجر، در شهرهای آسیای مرکزی می‌توان به مدرسه شهر مرو اشاره کرد. با توجه به حضور تقریباً ۳ هزار نفر ایرانی در شهر مرو و ویلان بودن اطفال آنان، کنسولگری و بزرگان ایرانی شهر، اقدام به تأسیس مدرسه‌ای برای این اطفال کردند (سازمان اسناد ملی، ۱۳۰۲: ۳۹۴۶۶-۲۹۷، ۱۰۸۸۸).
مدرسه ایرانیان مرو با همت اقتداءالملک، نماینده وقت ایران و با حضور او در اول صفر ۱۳۴۲/۱۹۲۳م، بازگشایی و تأسیس شد. درخصوص تأسیس این مدرسه، اداره کنسولگری ایران در منطقه و نماینده آن، اقتداءالملک، در تلگرافی آورده است:

در مرو بیش از ۳ هزار ایرانی اقامت دارند. اخیراً اهالی آنجا از بنده درخواست کرده‌اند نظر به کثرت ایرانیان و ویلان بودن اطفال آنان، اقدامی برای تأسیس مدرسه در آنجا بنمایید بدیهی است چنین تقاضایی باید استقبال شود. با اینکه مدرسه مظفری عشق‌آباد با طرز ننگ‌آوری اداره می‌شود چون موضوع تقاضای مرو را فوق‌العاده شمردم پس از ملاحظه در این باره و مذاکرات با کارکنان محلی، مدیر مدرسه مظفری را مأمور انجام این تقاضا کردم که حتی‌المکان، برای ایرانیان در مرو مدرسه تأسیس کند. پس از یک هفته

اقامت در آنجا و اقدامات واقعاً تمجیدآمیز، در مرو مدرسه مخصوص ایرانیان تأسیس شد. در ظرف چند روز اقامت خود، هیئتی تشکیل دادیم و معلمان را مقیم و بنایی برای مدرسه تهیه کردیم. در حال حاضر ۱۳ نفر شاگرد، در این مدرسه مشغول تحصیل هستند و طرز اداره کردن آن عیناً مانند مدرسه مظفری است (سازمان اسناد ملی، ۱۳۰۲: ۳۹۴۶۶-۲۹۷، ۱۰۸۸۸). تعداد دانش‌آموزان این مدرسه در روز بازگشایی و شروع ثبت‌نام ۱۳ نفر بود که همه آن‌ها از اتباع ایرانی بودند. روش تدریس و تعلیم این مدرسه، همانند مدرسه مظفری عشق‌آباد بود (سازمان اسناد ملی، ۱۳۰۲: ۳۹۴۶۶-۲۹۷، ۱۰۸۸۸). همچنین اتباع ایرانی مقیم قزل‌آروات، از کنسولگری تقاضای مساعدت برای تأسیس یک باب مدرسه با دو کلاس، برای اطفال مسلمان آن منطقه کردند. آنان خواستار بودند این مدرسه موسوم به سعادت باشد. قونسولگری عشق‌آباد در گزارشی، درباره تأسیس این مدرسه اعلام کرد: اتباع دولت مقیم قزل‌آروات از کنسولگری تقاضای مساعدت، برای تأسیس یک باب مدرسه موسوم به سعادت که دارای دو کلاس باشد برای اطفال مسلمان آن خطه کردند. ضمناً اجازه حکومت محلیه را خواستار شدند. کنسولگری عشق‌آباد اجازه تحصیل به هیئت آنجا را داد که مطابق پروگرام وزارت معارف دولت ایران، در مدرسه مزبور تدریس کنند. ریش‌سفیدان و مدیر مدرسه قزل‌آروات به کنسولگری سند سپردند که از مقررات وزات جلیله معارف خارج نشوند (سازمان اسناد ملی، ۱۳۰۲: ۳۹۴۶۶-۲۹۷، ۱۰۸۹۲). البته باید خاطر نشان کرد که چندی قبل، در نتیجه معارف‌های اقتداءالملک، مدرسه ایرانی در مرو و کراسنودسک افتتاح شده و شالوده یک مدرسه هم در قزل‌آروات ریخته شد؛ ولی متأسفانه مدارس مزبور تا حال تابع ادارات محلی بوده و کاملاً جنبه ایرانی ندارند. برای

نهایت ضرورت دارد توجه مخصوص مبذول و نتیجه آن را هم برای وزارتخانه اشعار دارند و به قونسولگری نوشته شود» (سازمان اسناد ملی، ۱۳۰۲: ۲۹۷/۳۹۴۶۴، ۱۰۸۸۷). «در خصوص تأسیس مدرسه در کراسنودسک واصل اسباب سرت از اقدامات قونسول رحمت‌علیه در عشق‌آباد گردید برای مدارس ایرانیان در خارجه علاوه بر اعانه کنونی، بودجه در سال آتیه در نظر گرفته شود و امیدوار است مدارس ایرانیان به‌طور آبرومندی اداره گردد» (سازمان اسناد ملی، ۱۳۰۲: ۲۹۷/۳۹۴۶۴، ۱۰۸۸۹). بدین قرار، در سال ۱۳۴۲ق/۱۹۲۳م، مدرسه ایرانیان در کراسنودسک افتتاح شد. تعداد دانش‌آموزان این مدرسه ۴۷ نفر بود. یکی از اهداف مهم تأسیس این مدرسه، ترویج زبان و ادبیات فارسی در این منطقه بود. طرز اداره این مدرسه نیز، مانند مدرسه مظفری بود و چند تن از معلمان مدرسه مظفری، برای تدریس به این مدرسه اعزام شدند. حکومت نوین سوسیالیستی در راستای تغییرات بنیادین اجتماعی، برای تأسیس مدارس بیگانگان در کشور خود، مقررات تازه‌ای وضع کرد. قوانینی که کمیساریای ملی معارف دولت شوروی، برای مدارس ایرانی صادر کرد به قرار زیر بود:

۱. مدارس ایرانی تحت نظر و مراقبت نماینده سیاسی دولت ایران خواهند بود؛
۲. معلمان مدارس ایران را ریاست مدرسه انتخاب می‌کند و ریاست معارف ایالتی محلی حق خواهد داشت به اشخاصی که نامزد معلمی هستند نظر داشته و آن‌ها را رد کند؛
۳. تعلیم مطابق پروگرام وزارت معارف دولت علیه ایران خواهد بود؛
۴. حق تفتیش مدارس به وسیله اعضای کمیساریای ملی معارف محفوظ خواهد بود؛

اینکه آن مدارس هم در تحت نظر کنسولگری، زبان فارسی را ترویج دهند لازم است: اولاً به مدارس مزبور از طرف وزارت جلیله معارف مختصر اعانتی بشود، حتی اگر بسیار جزئی هم باشد؛ ثانیاً مقدار کافی از کتبی که در سال‌های اول و دوم، در مدارس تدریس می‌شود برای مدارس فوق‌الذکر نیز ارسال شود و همه ساله، با افتتاح کلاس‌های جدید کتاب‌های لازم اعطا شود (سازمان اسناد ملی، ۱۳۰۲: ۲۹۷/۳۹۴۶۴، ۱۰۸۹۲). به این ترتیب، مدرسه ایرانیان در قزل‌آروت که به نام سعادت معروف بود، در سال ۱۳۴۲ق/۱۹۲۳م، با همت اتباع ایرانی آنجا و همچنین، کنسولگری ایران در عشق‌آباد تأسیس شد.

بعد از تأسیس مدرسه برای ایرانیان در مرو، اداره کنسولگری تصمیم به ساخت مدرسه‌ای، برای ایرانیان ساکن کراسنودسک گرفت. این مدرسه به همت تجار و بزرگان و کنسولگری، در سال ۱۳۴۲ق/۱۹۲۳م، افتتاح شد. اداره کنسولگری عشق‌آباد طی نامه‌ای در سال ۱۳۴۲ق/۱۹۲۳م، به وزارت امور خارجه گزارش می‌دهد: «در مرو مدرسه‌ای برای ایرانیان تأسیس گردید هشتادوشش نفر در حال حاضر مشغول تحصیل هستند. متعاقب آن مدرسه‌ای نیز در کراسنودسک به همت بعضی اهالی تأسیس و معلمین مخصوصی از معلمین درجه اول مدرسه مظفری عشق‌آباد بدانجا اعزام شدند و به قرار اطلاعاتی که رسیده عجتاً چهارهفت نفر اطفال ایرانی از کوچه گردی خلاص داده محلی تهیه اثاث با همت معارف‌خواهان آنجا ترتیب و در مهرماه مدرسه مذکور مفتوح خواهد شد» (سازمان اسناد ملی، ۱۳۰۲: ۲۹۷/۳۹۴۶۴، ۱۰۸۸۷). در تعقیب مشروحه مورخ ۱۸۸۵م/۱۳۰۲ق، راجع به تأسیس مدرسه ایرانی در مرو کراسنودسک، نامه‌ای از کنسولگری ایران در عشق‌آباد به وزارت امور خارجه رسیده است که «... این مدرسه که برای ترویج زبان و ادبیات فارسی است

۵. ترتیب مقرر مذکور، فقط شامل مدارس است که اطفال ایرانی در آنجا تحصیل می‌کنند.

در سندی دیگر، به این نکته اشاره شده است که برای ادامه تحصیل در سطح عالی، افراد باید تبعه اتحاد شوروی باشند. این مسئله خود، باعث ناامیدی دانش‌آموزان ایرانی از ادامه تحصیل شد؛ چراکه بسیاری از آنان تمایلی به پذیرش تابعیت کشور بیگانه نداشتند. در این زمینه، اغواگری و تبلیغات منفی بعضی از مغرضان در بین دانش‌آموزان ایرانی، به این مسئله بیش از پیش دامن می‌زد (ایمانی، ۱۳۷۴: ۲۰). اما با سقوط حکومت تزارها در روسیه و شروع اغتشاشات و انقلابات در این نواحی و به علت ناامنی و تصرف بخشی از اموال متمولان ایرانی، تجار و بازرگانان خواهان بازگشت به میهن خود شدند. در پی این حوادث و تحولات، تأمین مخارج مدارس با مشکل روبه‌رو شد؛ زیراکه انجمن‌های خیریه ورشکست شدند و توان پرداخت هزینه مدارس را نداشتند. این رویه ادامه داشت تا جایی که حکومت وقت، به علت نبود منبع عایدات برای دخل و خرج، به دخالت در امور مدارس پرداخت. سرانجام به علت دخالت‌ها و کارشکنی‌های حکومت سوسیالیستی در اداره مدارس ایرانی، دولت در سال ۱۳۴۹ق/۱۹۳۱م، مجبور شد برای جلوگیری از تیرگی روابط دو کشور تمام مدارس مذکور را منحل و اسباب و اثاثیه آن‌ها را به دولت اتحاد شوروی واگذار کند. به این ترتیب، اتحاد جماهیر شوروی با موانع بی‌شماری که در کشور خود، بر سر راه ادامه کار مدارس و انجمن‌های بیگانگان ایجاد کرد، انحلال مدارس ایرانی در این سرزمین را باعث شد.

نتیجه

همواره تعلیم و تربیت مهاجران خارج از کشور، برای ترویج فرهنگ و زبان آن کشور امری مهم به شمار

می‌رود. امری که دولت‌های مطبوع بدان می‌پرداختند و در این راستا، اقدام به تشکیل کانون‌های تربیتی و مدارس خارج از کشور می‌کردند. هم‌زمان با سایر کشورها، در اواخر دوره قاجار، خیران ایرانی مقیم خارج با کمک و مساعدت دولت اقدام به تأسیس مدارس، در شهرهای آسیای مرکزی کردند. با استفاده از یافته‌ها و نتایج حاصل از این پژوهش، مشخص شد این مدارس که با همت و مساعدت مالی تجار و بازرگانان ایرانی مقیم این شهرها به وجود آمدند نقش مهمی در ترویج زبان و ادب فارسی برعهده گرفتند. انگیزه اصلی مهاجرت‌های ایرانیان به مناطق آسیای مرکزی را نمی‌توان در عوامل طبیعی و سیاسی جستجو کرد؛ بلکه باید در تغییر ساختار و وضع بهتر اقتصادی روسیه، در مقایسه با ایران، دنبال کرد. البته باید گفت که همه ایرانیان به علت فقر، ساکن برخی شهرهای روسیه نمی‌شدند؛ بلکه اموری چون تجارت یا به‌دست‌آوردن فرصت‌های شغلی جدید یا مأموریت‌های دولتی، در این امر تأثیرگذار بود. در نتیجه، با تبعیض‌هایی که به وجود آمده بود عده کثیری از اقشار کم‌درآمد و ضعیف ایرانی به مناطقی از روسیه، مانند عشق‌آباد و تاشکند، مهاجرت کردند. بنابراین تجار و بازاریان ایرانی، برای بهبود وضع معیشتی و تحصیل و تربیت این افراد، اقدام به تأسیس انجمن‌های خیریه و مدارس کردند تا اطفال این مهاجران، به تربیت و آموزش خود نیز پردازند. با به‌وجود آمدن این مدارس در سرزمینی بیگانه، حوزه زبان فارسی ایرانی در آن مناطق به وجود آمد. این مدارس نقش مهمی در فرهنگ و تعلیم و تربیت اطفال ایرانی برعهده گرفتند؛ تاجایی که به‌طور مجانی، برای افراد فقیر و کم‌درآمد امکانات تحصیل فراهم می‌کردند. اما متأسفانه مشکلات مالی که در پیش روی این مدارس بود باعث می‌شد روند تعلیم و تربیت چندان تسریع پیدا نکند. کمبود

_____ (۱۳۰۴)، یادداشت وزارت امور خارجه ایران به نمایندگی مختار شوروی، کارتن ۳۵، پرونده ۴۹.

_____ (۱۳۰۲)، تأسیس دو باب مدرسه برای ایرانیان در مرو و کراسنودسک، پوشه ۲۹۷/۳۹۴۶۴، سند شماره ۱۰۸۸۷؛ ۱۰۸۸۸؛ ۱۰۸۸۹.

_____ (۱۳۰۵)، ارسال کتاب برای قونسولگری ایران در ترکستان، پوشه ۲۹۷/۲۶۹۴۰، سند شماره ۱.

_____ (۱۳۰۳)، اعزام مدیر به مدرسه مظفریه، پوشه ۲۹۷/۳۹۴۰۰، سند شماره ۱۰۸۵۶.

_____ (۱۳۰۲)، بی بضاعتی ایرانیان مقیم عشق آباد، پوشه ۲۹۷/۳۹۳۹۱، سند شماره ۱.

_____ (۱۳۰۰)، درخواست قونسولگری ایران در عشق آباد به مساعدت مالی به مدرسه مظفریه، پوشه ۲۹۷/۱۸۲۴۷، سند شماره ۱ و ۱۹.

_____ (۱۳۰۷)، صورت اسامی کارکنان مشمول نظام وظیفه و صورت بودجه، شماره مدرک ۲۹۷۰۲۶۸۱۶.

_____ (۱۳۰۱)، صورت خرج مدارس و بودجه مدرسه مظفری، پوشه ۲۹۷/۱۸۲۴۷، سند شماره ۲.

_____ (۱۳۰۶)، لزوم رسیدگی به وضعیت مدرسه عشق آباد، شماره مدرک ۲۹۷۰۱۵۲۲۹.

_____ (۱۳۰۳)، لزوم ترویج زبان و ادبیات فارسی بین ایرانیان مقیم شوروی، پوشه ۲۹۷/۱۷۲۳۲، سند شماره ۱۰۸۸۱.

_____ (۱۳۰۳)، لزوم ترویج زبان و ادبیات بین ایرانیان مقیم شوروی، پوشه ۲۹۷/۳۹۴۰۰، سند شماره ۱۰۸۸۵.

_____ (۱۳۰۲)، مکاتبات وزارت امور خارجه درخصوص تأسیس مدرسه برای ایرانیان در

بودجه و اعتبار برای این مدارس، سبب شد که جنبه کاملاً ایرانی بودن خود را از دست دهند و بیشتر، جنبه روسی ایرانی پیدا کرده و حکومت های محلی در آن ها دخالت کنند. در نتیجه، به رغم بی میلی ایرانیان مهاجر در این شهرها، فرزندان آن ها به تعلیم و تربیت روسی پردازند. اکثر آن هایی که می توانستند به وطن بازگشتند؛ اما بودن بسیاری که مجبور به فراگرفتن زبان روسی شدند.

کتابنامه

الف. اسناد

_____ (۱۳۰۳)، انجمن خیریه ایرانیان درخصوص مدرسه مظفری، پوشه ۰۳۶، سند شماره ۳۴۰۴۸.

_____ (۱۳۰۶)، هیئت مدیره ایرانیان مقیم عشق آباد شکایت از طرز رفتار آقای عیسی خان بهرامی، پوشه ۱۴/۰۱۴۸۳، سند شماره ۱۴/۰۱۴۸۳-۰۰۰۰۰۷.

_____ (۱۳۰۶)، مشکلات مدرسه مظفری، پوشه ۱۴/۰۱۴۸۳، سند شماره ۱۴/۱۴۸۳۰۰۰۰۶.

_____ (۱۳۰۵)، نظارت و سرپرستی مأموران وزارت امور خارجه بر مدارس، پوشه ۱۴/۰۱۴۷۱.

_____ (۱۳۰۹)، گزارش قونسولگری ایران در بادکوبه، نمره ۱۰۶۵.

_____ (۱۳۱۸)، گزارش وزارت امور خارجه به وزارت معارف، کارتن ۱۹، پرونده ۱۱.

_____ (۱۳۲۳)، مهاجرت خانوارهای سیستان به دلیل سختی معیشت، کارتن ۱۱، پرونده ۱۰.

پژوهشنامه دانشکده ادبیات علوم انسانی، ش ۲۸، پاییز و زمستان.

تاشکند و تقاضای ارسال کتب، پوشه ۳۹۳۹۳-۲۹۷، اسناد شماره ۱۰۸۷۶؛ ۱۰۸۷۲؛ ۱۰۸۷۳؛ ۱۰۸۷۸؛ ۱۰۸۸۰؛ _____ (۱۳۰۹)، ممانعت از به‌کاربردن علامت شیر و خورشید در مدارس ایرانی، پوشه ۴۱۳۷۴/۲۹۷.

_____ (۱۳۰۵)، نظام نامه مدرسه ایرانیان مقیم عشق‌آباد، پوشه ۲۹۰/۴۹۰۷، سند شماره ۰۰۱۲۰۱۰۱.

ب. کتاب‌ها

- اشرف، احمد، (۱۳۵۹)، موانع رشد سرمایه‌داری در ایران دوره قاجاریه، تهران: زمینه.

- شاکری، خسرو، (۱۳۸۴)، پیشینه‌های اقتصادی و اجتماعی جنبش مشروطه و انکشاف سوسیال دموکراسی، تهران: اختران.

- عیسوی چارلز، (۱۳۶۲)، تاریخ اقتصادی ایران ۱۳۲۲-۱۲۱۵ق، ترجمه یعقوب آژند، تهران: گستره.

- گیدنز، آنتونی، (۱۳۸۶)، جامعه‌شناسی، ترجمه حسن چاوشیان، چ ۴، تهران: نی.

- یزدانی، سهراب، (۱۳۸۸)، مجاهدان مشروطه، تهران: نی.

ج. مقالات

- ایمانی، محدثه، (۱۳۷۰)، «مدارس ایرانی در شوروی»، گنجینه اسناد، دفتر دوم، تهران: سازمان اسناد ملی، تابستان.

- ماتوه‌یف، آ. م. (۱۳۷۱)، «تاریخچه حضور ایرانیان مهاجر در آسیای مرکزی در نیمه دوم سده ۱۹ و آغاز سده بیست»، ترجمه محسن شجاعی، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، دوره ۱، ش ۳.

- وطن‌دوست، غلامرضا، (۱۳۸۰)، «ساختار قدرت و اوضاع اجتماعی ایران در دوره ناصری و مظفری»،

شماره ۱۳۴۳
مورثه ۲۵ مورثه
محترم کرامت انجمن دارالتواضع در عشق آباد
در خلد طهران
بیت بکون عشق آباد

۲۴۴
نوبت
۶

عرضه ارطوف اسانر انجمن خیریه ایران مستقیم تر عرض ۴۴

بشرف ضمایر
و بعد از درود مراسم سبزه و صحنه

۱۳۷۱۲۷

که ماسندگان اجتماع تعلیمه ایران در ۲۴ روز گذشته آنستند عرضیه نویسنده
توسط پیمان روانه محضر مبارک نمودیم امروزه جویشرا دین امتنان فرمودیم
شکرات صمیمانه خودمان را در نظر رسیدیم که عرضیه ماسندگان در محضر بود و در این
در حضور شکایت از منافع نفع در امور است مدرس منظری و تقاضای عظام کنیز
و یکفر معلم منصف و بوزارت جنگ و وزارت دو قاف مراجع شده و موافق
که در ضمن مذاکرات بوزارت خارجه که در اینصورت بعد از است و بموجب
مدرس معروفی مذکور را تحریر کرده تمام اعضاء سابق الذکر را عرض کردیم و در
بدون ذکر لازمه قانون و دستور بعد از تعلیم شده و شب روز در تهیه علم ادب
و لطافت بهیم و لیکن منظر تشریف فرما شدن مدبر و معلم به چشم انتظار در راه است
و امیدواریم مقتضای امر انوشم در سینه ملت خارجه از نظر مرحمت سرافراز و شایسته
و آنکه در حضور امور است شرعیه بموجب فرمان از سمت زنجیر زاریت خلاص
شیم

بیت بکون عشق آباد

زیرا که حکومت جمع مداخله با امور است شرعیه نمودند و تعداد آمدن فرمان
که با ایشان نشان دادیم با کلیه در امور است شرعیه ایران مانع
دو مداخله نمی نمایند و از درگاه مآثر چون همواره مسکت ملتیم که سایه رحمت
قیه عالم اروا خارجه و استار است از سر مایه ایگان کم نوبه مجرمانه در حجاب
از قدر شوکت سلطان کم شکویدیه و لیک رتبه دهقان بهر ماه
ستلا بطل کلام کشته رسیدیم عفو داریم با آنکه هر کم طبع و عدول که در این
شیم

صدر انجمن خیریه
حسن حاجت



۹۴۷
۲۴۴
۶

بیت مجلیه
شماره ۱۸
۱۳۹۳
۱۵۵۱۵
۹۹
۱۳۹۳
مهر
۲۷

بیت مجلیه
شماره ۱۸
۱۳۹۳
۱۵۵۱۵
۹۹
۱۳۹۳
مهر
۲۷

بشرف حضرت عالم ربانی و بعد از ادای مراسم تبرکات همیشه قلب خودمان را
که مانند کمان در مقابل زهره حضرت عالی در باره وطن خرمی است نعم از نگاه قاری
سنت سوادیم که سایه مبارک را از بر ما بندگان کم تقواید بجز و آله که سوره در راه سینه
مخیر مبارک عرضه تقیم نمودیم در حضور مدرسه مظفریه در حقیقت سینه که طایر و معلم روزی
و آن آموزات مدرسه منظم گشته و بیست و سه نفر از اطفال در حضور علم معارف بموجب
مجلسی است که سه صد نفر از اطفال دارد و پیش از نظر از آن جهان میخواند
بجایه نظرها از خود مدرسه کفایت خدایات شده و در سفرها از آنجایی که خارج رود
و علاوه بر این که یک بر صاحب از اتباع در تعلیم و خات غایت معارف و سخن
مخبره از این خیریه است و بجایه نظرها خاندان که طایفه از آن بیضا حرمین
بیر علیمه با رضاعت میباشند از لطف و امانت این خیریه مستفید قرار دادند
که در راه اهتزاز نموده سعادت زندگانی میباشند چه که بموجب مساعدت زاهدان
که جرات مایه چیز شده اند که نظرها عاقلات ندانیم که از جمله جرات بر آن
و استعاری جرات داریم در حضور این خیریه مانند کمان اعانه رود و خیریه و با یک
شتر در آن که از مملکت این یعنی آبادی شماره مکررند و در وقت مراجعت
که در راه با کمال عیب این میباشند بمرگانه مبارک مرقوم فرمایند هر آنکه شتر باردار است
از این کفایت شترم قرآن باسم این خیریه قرنی عی انما در یافت کرده و روانه مسافرت
که بیشتر حرف نموده نقی وارد کرد و این جانب که اکثر این خیریه ایران هم در بیست سال
که همان صورت کرده و در تمام محو و در هر سنگه از حضور بخارم کرد و آنکه جناب صاحب
رضایان کفایت اداره جلیله قوتی که خیریه است و بود با کفایت و دیانت میباشد
هر آنکه در راه جرات در تقیم خود حضور کرده و لایق سواد در سواد زبان و زبان
آشنا به نیکت لیدر یکتقر از این که ناشر است و در روز اول کلام سنجی که در آن
تعیین فرموده در مقامات لازم با حکومت مع سواد جواب کرده انجوات که در راه و نام
و آنکه سواد به مبلغ پنجاه لویای است از جمله مهالو از میان و در راه
حکومت مع سواد به نهایت از هر جهت بر ایشان است و نمیتواند که سر مشورت
بر هم خود تهیه کند بره اطلاع عرض شد و آنکه سواد از این هم جان است
از منظر روح القبله که یکم در راه منظم احداث فرموده و در کفایت توفیق است
نمیدهد و عرض نموده است لایق است به بدولت قومین و در راه که در اندیشه است
و در راه توکل در این ۱۳ و ۱۵ در راه ایشان شکر هو لعب است

بیت مجلیه
شماره ۱۸
۱۳۹۳
۱۵۵۱۵
۹۹
۱۳۹۳
مهر
۲۷



۲